

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۶۲۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۷ خرداد ۱۳۹۱، ۶ ژوئن ۲۰۱۲

سرمد عبدال گلپریان

بی بی سی و سندج (۴)



ناصر اصغری

ساختن صندلی های باسمه ای

نویسنده بی بی سی، "حسام دست پیش" در نتیجه گیری نوشته اش دنبال راه حلی برای نیروهای شکست خورده می باشد که چگونه می توانند دوباره به صحنه سیاست سندج برگردند. شهر سندج را به سه بخش تقسیم می کند و یک بخش آن را به اسلامی ها و چپها، مشترکا، می دهد، بخشی از آن را، که وی "بالای شهر نشین" می خواند، فعلا بین کسی تقسیم نکرده است و بخش "حاشیه نشین" آن را که از "شهرهای مجاور همچون مریوان، کامیاران، دیواندره و منطقه بیلاخ و منطقه اویاتو می آید و افکار عمومی آنها به میدان کشمکش ناسیونالیستها و چپهای ناسیونالیست

تبدیل شده است. این تفسیر خیالی ایشان فقط برای دلداری دادن به ناسیونالیستهاست، که دلسرد نشود؛ هنوز شانس دارید که سندج را از بیرون تسخیر کنید! ایشان دارد ضمنی کسانی را که به قول خودشان از شهرهای مجاور به سندج مهاجرت کرده و "حاشیه نشین" شده اند به "عقبمانده" و "غیرمدرن" ملقب می کند. چرا که قبلا پایگاه

صفحه ۲

برای هفتمین سال متوالی صدای کارگران ایران در سازمان جهانی کار طنین انداخت



کنفرانس سازمان جهانی کار حضور می یابند و سازمان جهانی کار در سالهای اخیر مراقبت های امنیتی بسیار ویژه ای برای جلوگیری از مخالفین جمهوری اسلامی سازمان داده است. فعالین حزب و کمپین برای آزادی کارگران زندانی نیز برای

صفحه ۵

جمهوری اسلامی را بعنوان رژیم سرکوب کارگران و مردم ایران معرفی کردند و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان و آزادی فوری کارگران زندانی در ایران شدند. هفتمین سال است که فعالین حزب کمونیست کارگری بی وقفه در

روز سه شنبه ۵ ژوئن جمعی از فعالین حزب کمونیست کارگری ایران و فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی با انجام آکسیون اعتراضی در داخل محوطه ساختمان برگزاری اجلاس آی ال او در ژنو که صد و یکمین کنفرانس خود را برگزار میکرد حضور یافتند،

گزارش یک سفر: یک شهر در ایتالیا، قبل و بعد از صدای زانبار مینا احدی

صفحه ۳

زندگی نامه من (بخش هفدهم) / سهیلا شریفی

صفحه ۴

اخباری از شهرهای کردستان

صفحه ۵

تسلیم بمناسبت درگذشت رفیق صالح کیفی

صفحه ۶

شاهرخ زمانی به زندان یزد تبعید شد

صفحه ۶

۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران را گرامی بداریم

صفحه ۶

متن آهنگ «ایستاده مردن» از شاهین نجفی

صفحه ۶

برای لغو اعدام ما نیاز به سازماندهی توده ای جامعه و مردم داریم متن پیاده شده مصاحبه تلویزیون ایسکرا با نسان نودینیان

انجام شد. افکار عمومی در سطح ایران و جهان در جریان این اعدامها قرار نگرفتند. تا کنون ما شاهدیم که موارد زیادی از دستگیریه و محکومین به اعدام از کانال خانواده ها و وکلای آنها به افکار عمومی اطلاع داده شده و اقدامات بین المللی در دفاع و برای نجات جان آنها از طریق مراجعه به نهاد و ارگانهای مدافع حقوق انسان و مخالف اعدام، انجام شده است. اعدام این دو جوان موردی نادر است. امیدوارم تکرار نشود و خانواده و وکلای کسانی که دستگیر و

صفحه ۲

جامعه جهانی، جنایتکارانه این دو جوان را اعدام کرد. کمیته کردستان این اعدام را با انتشار اطلاعیه ای محکوم کرد. به نظر شما چرا جمهوری اسلامی به این شکل این اعدامها را انجام میدهد. چه اهدافی دارد؟

نسان نودینیان: من هم به خانواده این دو اعدامی صابر و وریا از اهالی جوانرود به خانواده و بستگان آنها تسلیت میگویم. این اعدام از آن موارد نادری است که خبر رسانی نشد. دستگیری، محکومیت و اعدام آنها در خلا



آوات فرخی: دو جوان در سی و یکم اردیبهشت توسط جنایتکاران جمهوری اسلامی در زندان سندج اعدام شدند. اعدام این دو نفر در خلا و بدون اطلاع افکار عمومی انجام شد. جمهوری اسلامی در آرامش ویژه خودش در واقع بدون فشار

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



یا به اعدام محکوم میشوند افکار عمومی، احزاب سیاسی، کمیته علیه اعدام و نهادهای جهانی علیه اعدام را در جریان بگذارند. و با اینکار پوشش خبری وسیعی را انجام دهند. تا کنون موارد زیادی را ما شاهد بوده ایم که با تلاشهای جامعه جهانی و مدافعین لغو اعدام جمهوری اسلامی زیر منکنه فشار قرار گرفته و اعمال اعدام لغو و یا برای سالها در حالت تعلیق قرار گرفته است. و البته با انجام هر اعدام در واقع با هر قتل عمدی که جمهوری اسلامی انجام میدهد تنفر و انزجار مردم و خانواده اعدامیها در شکل وسیع و بشکل علنی علیه جمهوری جنایتکار اسلامی انجام شده و موج نارضایتیها در اشکال مختلف و در شکل تظاهرات و تجمع های بزرگ در مقابل زندانها ابراز شده است.

آوات فرخسی: در این جا

میخواهم به مساله زانیار و لقمان بپردازم، متأسفانه خطر اعدام زانیار و لقمان را کماکان تهدید میکند. چه اطلاعاتی از وضعیت آنها دارید؟

نسان نودینیان: بلی درست است

کماکان خطر اعدام روی سر این دو جوان زانیار و لقمان است. اینها هر آن ممکن است توسط جنایتکاران کثیف اسلامی اعدام شوند. اقدامات تاکنونی ما تأثیرات خوب خود را گذاشته است. با بردن لقمان و زانیار مرادی برای یک دادگاهی دیگر ما کمیته علیه اعدام و سنگسار و من طی اطلاعیه هایی از مردم خواستیم هوشیار باشند و به اقدامات تاکنونی که برای لغو اعدام این دو جوان شروع کرده اند، شدت عمل بیشتری بدهند. از آنها خواستیم که از طرق مختلف به این اقدامات و بشکل کنکرت تری بپردازند. در یکسال گذشته مردم شهر و شهرکهای مریوان و سروآباد و جوانان این شهر به اقدامی انقلابی

در سی سال گذشته با وجود تناسب قوای سیاسی و کشمکش سیاسی رژیم اسلامی با مردم در کردستان، ما شاهد اعدام در ملاعام نبوده ایم. اینکه در شهرهای کردستان در سی سال گذشته اعدام در شکل علنی و ملاعام انجام نشده از خوبی این رژیم جنایتکار نیست، بلکه دقیقاً ناشی از تناسب قوا و وضعیت مبارزاتی است که مردم کردستان در برابر این جنایتکارها پیش برده اند.

در پایان این را اضافه کنم که اعدام قتل عمد است که توسط جمهوری اسلامی انجام میشود. این رژیم قاتل صدها هزار نفر در ایران است. مساله ما صرفاً افشاگری نیست، بلکه مساله مهم و محوری برای ما سازماندهی توده های میلیونی در ایران و در کردستان علیه اعدام و تلاش و مبارزه توده ای برای لغو مجازات اعدام و سرنگونی این رژیم جنایتکار و قاتل است.

بعد از انجام این مصاحبه متوجه شدیم که از یکسال گذشته رژیم اسلامی خانواده کارکنان رادیو فردا را تحت فشار و دستگیری های متعدد قرار داده و از آنها خواسته است که به کارکنان رادیو فردا فشار بیاورند که از انعکاس آنچه مزدوران اطلاعات آنرا "انعکاس اخبار مربوط به دستگیری ها و اعدام ها است صرف نظر کنند" خوشبختانه کارکنان رادیو فردا اعلام کردند که تحت هیچ شرایطی از انعکاس این عرصه از پوشش خبری کوتاه نخواهند آمد.

به همین دلیل ما اصرار داریم که تمام اقدامات، تحرکات، اعلام احکام زندان و اعدام، توسط مردم، خانواده هایی که عزیزانشان در زندان های رژیم اسلامی هستند، وکلا و نهادهای مدافع حقوق بشر در ایران به خارج از کشور به احزاب اپوزیسیون، به رادیوها و نهادهای مخالف اعدام و کمیته علیه اعدام گزارش شود. از زندانیان بخواهند که با ما تماس بگیرند، کمیته علیه اعدام و کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری را در جریان پرونده های خود قرار دهند. این عرصه ای است که بلحاظ بین المللی جمهوری اسلامی جنایتکار و سازمانهای ضد انسانی و تصمیمات کثیف مقامات این رژیم را تحت منگنه فشار قرار خواهد داد. *

بی بی سی و ...

از صفحه ۱

اجتماعی نیروهای ناسیونالیست را اقتشار عقیمانده، سازشکار و غیرمردن خوانده بود. منتها هیچ نیروی سیاسی جدی ای به اینجور تفسیر و تحلیلهای آبکی و کوچه بازاری دل خوش نمی کند. شیوه جامعه شناسی ایشان عجیب و غریب است. دیواندره، مریوان و کامیاران هیچوقت جولانگاه نیروهای ناسیونالیست نبوده اند که امروز بوده باشند. ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران، حداقل بعد از انقلاب ۵۷، همانقدر که در سنجند درمانده بود، در شهرهای ذکر شده توسط ایشان هم درمانده بود. قدرت چپ و کمونیسم در مریوان، دیواندره و کامیاران چیزی نیست که آن نیروهای "ناسیونالیست و چپ ناسیونالیست" مورد نظر "حسام دست پیش" از آن مطلع نباشند.

سنگرها را باید فتح کرد

ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران سنگر آنچنان محکمی را فتح نکرده است که به قدرت توده های مردم و آن سنگرهای فتح شده، امیدی به آینده داشته باشد. امیدشان می توانست تجربه "حکومت اقلیم کردستان عراق" باشد که از بخت بد ناسیونالیسم کرد در ایران، تجربه خوبی را برای کسی بر جای نگذاشته است! و واقعیت دیگر اینکه ناسیونالیسم کرد در ایران، به دنبال فتح سنگری هم نیست؛ چرا که به دردش نمی

خورد. ناسیونالیسم کرد خود می داند که از طریق فتح حتی سنجند هم، امکان قدرت شدن به شیوه اتکا به قدرت توده ها، را ندارد.

خود را معطل چنین چیزی هم نمی کنند. نگاهشان به جای دیگری است؛ به تلفنهایشان که از انتظار کاخ سفید کسی از آنها یادی نکنند. مشغول رایزنی در اتاق انتظار و دفاتر مقامات امریکائی و جنگ و جدال بر سر چند دلاری که احتمالاً جلوشان بیاندازند، هستند. مشغول تنها از ناتو برای ریختن بمب بر سر مردم ایران و ایجاد منطقه امن در کردستان ایران برای خود هستند. اما اینکه کسی در کردستان از آلترناتیو رژیم چپ اینها با بمب و خپاره و آدمکشی کانتراکتی (Mercenary) استقبال نکرده است، اینکه کسی در کردستان ایران برای حکومتی عشیره ای مثل کردستان عراق تره ای خرد نکرده است، ریشه در سنت قوی کمونیستی و کارگری دارد که برایش کار شده است. آوردن اسمشان در بی بی سی و مطرح کردنشان، و فقط مطرح کردنشان، می تواند کمک دروغینی بکند به شانسانشان که در ملاقاتهایشان با مقامات کاخ سفید به دردشان بخورد. این آن چیزی است که ناسیونالیسم کرد سخت مشغول آن است و می داند که تنها شانسانش هم همین است.

۳۱ مه ۲۰۱۲



گزارش یک سفر: یک شهر در ایتالیا، قبل و بعد از صدای زانبار نمیخواهم زیر خاک بروم. من جوانم و آرزوهای زیادی دارم. شاهین نجفی و دفاع مردم ایتالیا از یک هنرمند



برنامه صحبت کند. روزنامه گزنتینو مینوسد که در برنامه روز ۲۵ ماه مه مینا احدی از کمیته علیه اعدام صحبت خواهد کرد.

۲۵ ماه مه، ساعت ۹ شب صدایی لرزان از درون زندان تاریخ یک شهر را به دو قسمت تبدیل میکند، قبل و بعد از شنیدن این صدا!



<https://encrypted-tbn0.google.com/images?q=tbn:ANd9GcSCKtVXh060ke8x9VnjXM7yWgVbfmm4N9XseebU5k7Rm5Kwo7HA>

در سالن محل برگزاری کنفرانس مطبوعاتی، سکوت عجیبی مستولی است. یک نفر از آنسوی خط حرف میزند: "نمیخواهم زیر خاک بروم، جوانم و آرزوهای زیادی دارم، میخواهم زنده بمانم، فکر کنید که من بچه شما هستم، از شما تقاضای کمک دارم شمایی که صدای مرا می شنوید، شما سازمانهای حقوق بشری کمکمان کنید". سالن پی-ان-باکس محل برگزاری این کنفرانس، در سکوت و شوک عجیبی بسر میرود. کسی حتی پلک هم نمیزند. همه با بغضی در گلو و در سکوت مطلق به این حرفها گوش میدهند...

روزنامه ایتالیایی در مورد این لحظه مهم در تاریخ شهر پردونونه نوشت: شنیدن این صدا، فاصله بین ایران و پردونونه، فاصله بین ما و خاورمیانه را کم میکند. زانبار و لقمان مرادی نه فقط نام فامیل مشترکی دارند، بلکه آنها سلول مرگشان را نیز باهم سهیم هستند. ما مردم ایتالیا به یاری آنها می شتابیم، به یاری زانبار و لقمان و به یاری شاهین نجفی و آزادی بیان.

این صدای گرم و لرزان، به گروهی از مردم که در سالن پ ان باکس تجمع کرده اند، میگوید: مرا و لقمان مرادی ۲۶ ساله را دستگیر کردند و شکنجه کردند، و اتهامات را قبول کردیم هدف اصلی آنها پدرم بود که فعال سیاسی علیه حکومت است."

یک روزنامه دیگر ایتالیایی به اسم مسنجرو نتو، نوشت: به همراه سازمان ندا دی و مینا احدی از کمیته بین المللی علیه سنگسار صدای هیجان انگیز جوانی را می شنویم که توسط تلفن دستی حرف میزند. و ما صدای عصبانیت مردمی را می شنویم که در این سالن تجمع کرده اند"

برای آنهایی که اسیر حکومت اسلامی هستند و بویژه این روزها شاهد اعدامهای گسترده در ایران هستند، رساندن صدای خود به خارج از زندانها یک وسیله مهم دفاع از ادامه زندگیشان است. برگزار کنندگان این برنامه از همه مردم ایتالیا و از دولتهای اروپایی میخواهند فوراً کاری بکنند. ایران هر سه ساعت یکبار یک انسان را میکشد. و دنیا نباید در مورد این جنایات سکوت کند.

دفاع از شاهین نجفی و اجرای برنامه توسط یک خواننده رپ ایتالیایی

بخش دوم این برنامه، در مورد شاهین نجفی است. ما برای گرفتن پیام مستقیم از شاهین نجفی تلاش میکنیم، امکان تماس مستقیم و دادن پیام از سوی شاهین نجفی، بدلیل امنیتی فراهم نیست. من یکروز قبل از برنامه با گوئتر و لراف، هنرمند و نویسنده سرشناس آلمانی که فعالانه علیه فتوای شاهین نجفی کوشش میکند و رسانه های آلمانی نوشته اند که او همراه با شاهین است، تماس میگیرم و با او حرف میزنم.

آهنگ "آی نقی" با اجرای شاهین

نجفی برای حاضرین در مراسم و نمایندگان مطبوعات، پخش میشود و ظاهر جعفرزاده در مورد کمپین یادآوری نقی و همچنین اجرای آهنگ آی نقی توضیحاتی داده و اعلام فتوا از سوی چند آخوند حکومتی و حکومت اسلامی را برای حاضرین توضیح میدهد. در ادامه برنامه، من در مورد این امر که حکومت اسلامی ایران سی و سه سال با نام خدا و قران و مذهب و اسلام، یک جامعه را سرکوب کرده، حرف میزنم و از یک جنبش عظیم ضد اسلامی در ایران و بویژه جنبش ضد اسلامی جوانان و اینکه اجرای ترانه آی نقی از سوی شاهین نجفی تنها یک نمونه از این جنبش عظیم اجتماعی است، میگویم. در ادامه یک خواننده ایتالیایی برای ابراز همبستگی با شاهین نجفی و جوانان در ایران دو ترانه اجرا میکند:

<https://www.facebook.com/profile.php?id=1575967239>



حضور در تلویزیون سراسری ایتالیا "کانال ایتالیا" و صحبت با میلیونها نفر در مورد زانبار و لقمان مرادی و محکومین به اعدام در ایران و در مورد شاهین نجفی

روز ۲۸ ماه مه من و طاهر جعفرزاده از کمیته ندا دی، از ساعت ۶ صبح مهمان برنامه گفتگوی مستقیم با مردم هستیم. در این برنامه دو نفر سیاستمدار ایتالیایی نیز حضور دارند. برنامه دو ساعته با امکان گفتگوی مستقیم با مردم.

در ابتدا در مورد زندانیان سیاسی و اعدامها در ایران حرف میزنم و ویدئویی از سران و مزدوران حکومت اسلامی پخش میشود که در آن، چهره جنایتکاران اسلامی را نشان میدهند. سپس سوالات از ما شروع میشود، تعداد اعدامها در روزهای اخیر و مقابله با اعدام چگونه باید باشد و بحث در مورد

سوریه و جنایات بشار اسد و نقش مستقیم جمهوری اسلامی در این جنایات و مبارزات مردم در ایران برای سرنگون کردن یک حکومت فاشیست و ضدانسانی اسلامی است.

در ادامه برنامه در مورد شاهین نجفی حرف میزنم. ویدئو کلیپی از او پخش میشود و در مورد جنبش عظیم ضد مذهبی در ایران حرف میزنم. مهمانان ایتالیایی حاضر در برنامه نیز از ما سوال میکنند و مباحثات در مورد مشکلات مردم ایتالیا و ایران و همبستگی مردم در این دو کشور برای رسیدن به یک زندگی بهتر است.

در این برنامه در مورد اینکه کنسولگری حکومت اسلامی در مونیخ، فتوای قتل شاهین نجفی را پخش کرده و برای ایرانیان ساکن در آلمان از طریق ارسال نامه و امیل این فتوا را پخش کرده و عملاً میخواهد قتل شاهین را سازمان دهد، صحبت میکنیم و ضرورت فوری بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه جای اروپا و دنیا را مطرح میکنیم.

این برنامه که میلیونها بیننده دارد، یک امکان مهم تماس با مردم و جلب توجه افکار عمومی به مبارزات مردم در ایران است.

نامه سرگشاده به رئیس جمهور ایتالیا، گریگو نا پولیتانو از طرف کمیته ندا دی و کمیته بین المللی علیه اعدام یک نامه سرگشاده به رئیس جمهور ایتالیا ارسال میشود. این نامه با اشاره به جنایات جمهوری اسلامی و اعدامهای گسترده در ایران و همچنین با عطف توجه به تماس تلفنی محکومین به اعدام در ایران و با دادن گزارش کوتاهی از فتوای قتل شاهین نجفی از رئیس جمهور ایتالیا میخواهد که به این جنایات حکومت اسلامی اعتراض کند.

این نامه قرار بود در جریان سخنرانی رئیس جمهور در شهر پردونونه که در روز ۳۰ ماه مه بود، به او داده شود.

کلن - ۳۱ ماه مه ۲۰۱۲

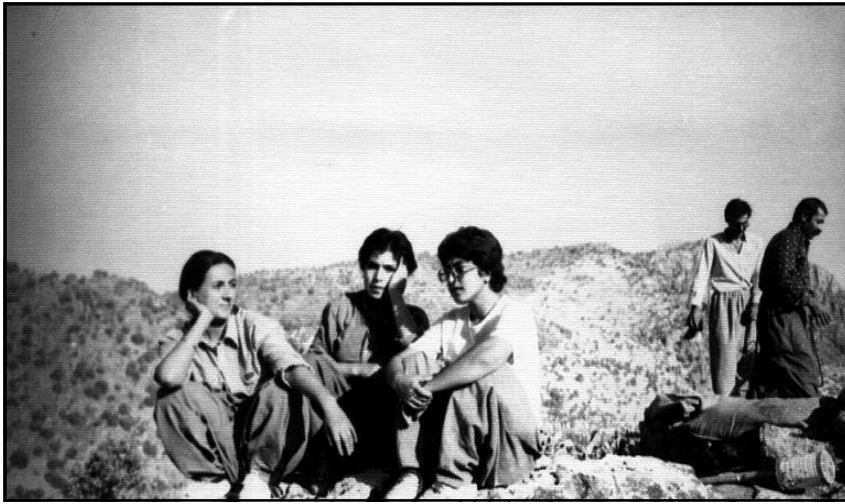
مینا احدی



زندگی نامه من (بخش هفدهم)

مرا بگیرد و من بتوانم برگردم چناره. من هم ناچار شال و کلاه کردم و رفتم. گولان خیلی از چناره دور بود، حداقل هفت ساعت با ماشین راه بود و امکانات حمل و نقل ما خیلی خوب نبود و تا زمانی که من گولان کار می کردم، امکان مرخصی گرفتن و سرزدن به همدیگر تقریباً هیچ بود. من و علی خودمان را آماده کرده بودیم برای مدت زمانی که ماموریت من طول میکشید همدیگر را نبینیم. فقط امیدوار بودیم این دوره طولانی نباشد. اما طبق معمول این نوع کارها رفتن همان و ماهها ماندگار شدن همان. من هم تا هفت ماه بعد علی را ندیدم.

گولان يك روستای دور افتاده و پرت در دل کوهها بود که طبیعتی زیبا و مردمی بدبخت و فقیر داشت. برخلاف چناره که بخاطر ایجاد کمربند امنیتی تخلیه شده بود و بغیر از ما کسی آنجا زندگی نمی کرد، ما در گولان در خود روستا و در کنار مردم زندگی می کردیم و از نزدیک با درد و فلاکت آنها روبرو بودیم. بنظر میرسید گذشت زمان و رشد تکنولوژی و صنعت اصلاً راهش و حتی خبرش به این روستای دور افتاده نرسیده است. خبری از برق و تلویزیون و یخچال و دیگر امکانات ابتدائی زندگی نبود. مردم اساساً با حیوانداری و باغداری و فروش گردو و میوه زندگی می کردند. زنان از بدبخت ترین اقشار این جامعه کوچک بودند. آنها صبح تا شب جان می کنند و از کوچکترین حقوقی هم برخوردار نبودند. متداول ترین شیوه ازدواج، مبادله زنان با هم بود که به کردی به آن می گویند "ژن به ژن" (زن به زن). یعنی خانواده ای که دختر داشت می توانست در مقابل دختر دیگری برای یکی از اعضای مرد خانواده اش، او را با دختر خانواده دیگری مبادله کند. برادرها و پدرهایی که يك دختر جوان در خانواده اش داشتند، با دست بازتری می توانستند سراغ دیگران بروند و از آنها زن بگیرند. در یکی از خانواده ها که در همسایگی مرکز پزشکی زندگی می کردند، مردی بود که چهارتا زن داشت و



آخرین زنش را همان اواخر گرفته بود. می گفتند یکی از دخترهای پنج ساله روستا هم نامزد اوست، آخر خواهر کوچکش را به برادر او داده بود و قرار بود وقتی این دختر بچه بزرگ شد با او ازدواج کند. در همان نزدیکیها يك خانواده دیگر هم بودند که چهار برادر بودند و اصلاً خواهر نداشتند که مبادله کنند و چون پولدار هم نبودند که بتوانند با پول زن بگیرند، همه مجرد مانده بودند. از طرف دیگر فرار دختر و پسرها با هم و ربودن زنان خیلی متداول بود و اخبار متعدد دختر فلانی با پسر فلانی فرار کرده یا زن فلانی را ربوده اند و غیره سکون و خودگی معمولی روستا را کم می کرد و بهانه ای به مردم میداد که پشت بامها جمع شوند و غیبت کنند. متأسفانه این نوع فرارها و آدم ربایها همیشه نتیجه خوبی نداشت و معمولاً قتلهای فراوان و زد خوردهای عشیره ای و فامیلی را بدنبال داشت. گاهی وقتها تا چند نسل مردم دو عشیره بخاطر يك ماجرای عشقی یا آدم ربائی همدیگر را می کشند.

ملیح دختر صاحبخانه ما گزارشگر من در مورد امور روستا بود. او هر روز اخبار رابطه های "نامشروع" و عشق و عاشقیهای جوانان محل را برای من می آورد و همیشه به تفصیل در مورد کسانی که در جریان قتلها ناموسی و غیره از بین رفته بودند برایم حرف می زد. او گاهی وقتها من را به دیدن خاتون می برد که دختر جوان و زیبایی بود با پستانهای گنده و چشمانی سرمه کشیده و مست. خاتون زن پیرمرد چروکیده ای بود که سخیهای روزگار کمر او را خم کرده بود و بزور از

جایش بلند میشد که به حیواناتش سرزند یا باغش را آبیاری کند. ظاهراً از این پیرمرد خیری به خاتون نمی رسید چون به گفته ملیح، او لیست بلند بالائی از مردان معشوق داشت. ملیح معتقد بود، خاتون آخرش سر خودش را بر باد می دهد چون اصلاً رعایت مخفیکاری را نمی کند. "دیشب دیدمش بین شوهرش و معشوقش نشسته بود و آشکارا با او چشم و ابرو می آمد." خاتون می خندید و می گفت: "مگر زندگی چند روز است که بخوادم همه اش غصه بخورم."

ملیح که از نزدیک شاهد زندگی پیشمرگان و روابط بین ما بود، با حسرت و آرزو به خاتون می گفت: "زندگی اینها خیلی خوب است. اصلاً انگار نه انگار که زن هستند." او حتی تلاش می کرد که به پسرهای ما نزدیک شود و با آنها طرح دوستی بریزد. گاهی وقتها خودش را به مریضی میزد که بیاید بالا و پزشکیارهای خوش تیپ ما را تورزند. آنها هم از خدا خواسته با هم مسابقه می دادند که او را معالجه کنند. بخاطر اینکه واقعا دختر خوشگل و جذابی بود. اما خیلی زود دکترشاکری کلک او را فهمید و هر بار که با شکم درد و سردرد و دردهای بی درمان دیگر می آمد درمانگاه، زود چیزی به او می داد و روانه اش می کرد. او سعی کرد به پسرها هم توضیح دهد که وارد رابطه شدن با دخترهای این روستا برای پیشمرگان کومله ناممکن است. چون اولاً ما رسماً اجازه نداشتیم با عراقیها رابطه داشته باشیم و دوماً مردم حاضر نبودند اجازه بدهند دخترانشان با پیشمرگان ما ازدواج کنند. از همه

مهمتر اینکه اگر معلوم میشد دختری وارد چنین رابطه ای شده است، ممکن بود توسط خانواده اش به قتل برسد.

ما شروع کردیم به ساختن و درست کردن مرکز پزشکی. اتاقها را گچکاری کردیم و رنگ زدیم و آنها را تا حدودی قابل استفاده برای نگهداری و معالجه بیماران کردیم. دکتر اسماعیل توی روستا راه افتاد و در عرض مدت کوتاهی با همه دوست شد و روابط متعدد خودش را سازمان داد. او به روستائیان گفته بود از کومله بخواهند روستا را برق کشی کند و به همه روستا برق برساند. کومله يك موتور برق داشت که بیمارستان و چادرهای مرکزی را برق می داد و دکتر اسماعیل معتقد بود ما نباید مثل کارفرماها فقط به فکر خودمان باشیم و باید به مردم روستا هم کمک کنیم و به آنها برق برسانیم. هر چه رفقای مرکزی سعی می کردند به او بفهماند که موتور برق ما به اندازه کافی قوی نیست که به همه روستا برق برساند و ما نمی توانیم زیر بار مسئولیت برق رسانی به روستا برویم، او قبول نمی کرد و همچنان در روستا راه می رفت و مردم را بر علیه کومله می شوراند. بهرحال نتیجه روابط وسیع و اجتماعی او این بود که ما همیشه میوه و سبزیجات تازه داشتیم. مردم به دین او می آمدند و بخاطر او برای مرکز پزشکی خوردنی می آوردند. منیژه، آشپز مرکز پزشکی خیلی از این بابت خوشحال بود که می توانست با سبزیجات تازه برای مریضها غذاهای مقوی درست کند.

ادامه دارد



برای هفتمین سال متوالی صدای کارگران ایران ...

از صفحه ۱



از کنفرانس آی ال او اخراج کنید

جمهوری اسلامی نیز در سالن بود.

هر ساله هیاتی از سوی جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار شرکت میکند. اینها نه تنها کارگران ایران را نمایندگی نمیکند، بلکه نمایندگان رژیم اسلامی ایران هستند که با محروم کردن کارگران از حقوق پایه ای شان آنها را بطور سیستماتیک و دائم مورد آزاد و اذیت قرار میدهد.

جمهوری اسلامی کارگران را بخاطر ایجاد تشکل، بخاطر شرکت در اول مه و بخاطر اعتراض برای دستمزد و سایر حقوق پایمال شده شان، زندانی کرده و به شلاق میکشد.

این رژیم حقوق انسانی مردم و کارگران را وحشیانه زیر پا میگذارد، کودکان را اعدام و زنان را سنگسار میکند و بعد از چین بالاترین رکورد اعدام در دنیا را دارد.

چنین رژیمی نه تنها جایش در آی ال او و مراجع جهانی نیست، بلکه جایش در دادگاههای بین المللی و محاکمه بخاطر جنایاتش علیه مردم است.

این رژیم باید از سازمان جهانی کار و همه نهادهای جهانی اخراج شود.

ما هر ساله با شرکت خود در اجلاس های سازمان جهانی کار تلاش کرده ایم که صدای کارگران و مردم ایران باشیم و اعتراض خود را به حضور جمهوری اسلامی در این سازمان اعلام داریم.

امسال هفتمین سال است که علیرغم تمهیدات امنیتی آی ال او، فعالین حزب و مدافعین حقوق کارگران در سازمان جهانی کار حضور می یابند و صدای اعتراض کارگران ایران را به گوش حاضرین در کنفرانس میسرسانند و به حضور هیئت جمهوری اسلامی اعتراض میکنند. این موفقیتی برای کارگران و مردم ایران و خاری در چشم جمهوری اسلامی و نمایندگان شورای اسلامی است که آنها را در حضور سایر شرکت کنندگان در سازمان جهانی کار بعنوان سرکوبگران و شکنجه گران فعالین کارگری معرفی میکنند.

لازم به یادآوری است که فردا ۶ ژوئن نیز از سوی تعدادی از فعالین اتحادیه های کارگری فرانسه آکسیون با خواست آزادی کارگران زندانی فراخوان داده شده است. ما ضمن شرکت در این آکسیون از همه مدافعین حقوق کارگران و مردم ایران میخواهیم در این آکسیون شرکت کنند.

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ ژوئن ۲۰۱۲
۱۶ خرداد ۹۱

اطلاعیه ای که در میان شرکت کنندگان در کنفرانس سازمان جهانی کار پخش شد.

کمپین برای آزادی
کارگران زندانی:
جمهوری اسلامی را

دور زدن این تمهیدات، امسال در زمان استراحت نمایندگان شرکت کننده در آی ال او در سالن تریای کنفرانس حضور یافتند و آکسیون اعتراضی خود را برگزار کردند. همزمانیدی کوهی پرچم جمهوری اسلامی در سالن اصلی کنفرانس را پائین آورد و پلاکارد قرمزی که روی آن نوشته شده بود ایران از آی ال او اخراج شود را بجای آن گذاشت.

در این آکسیون پاسکال دکامپ به زبان انگلیسی برای حاضرین سخنرانی کرد و اعلام کرد که جمهوری اسلامی سرکوبگر کارگران و مردم ایران است و باید از سازمان جهانی کار اخراج شود. او گفت که ما کارگران و مردم ایران را نمایندگی میکنیم و خواستار حمایت کارگران از این حرکت شد. بدنبال سخنرانی پاسکال، شرکت کنندگان در این آکسیون در حالیکه پلاکارد قرمزی با شعار ایران از آی ال او اخراج شود و پوسترهایی از کارگران زندانی در دست داشتند، به زبانهای انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و فارسی شعار میدادند: مرگ بر جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی باید از آی ال او اخراج شود و سپس اطلاعیه ای را به زبان های انگلیسی و فرانسوی در میان حاضرین پخش کردند. با شروع این آکسیون جمعیت حاضر در سالن کاملاً ساکت شده و به سخنرانی و شعارها گوش میدادند. این آکسیون یکربع به طول انجامید. بسیاری از نمایندگان اطلاعیه را با استقبال می گرفتند و بعضاً از این آکسیون عکس گرفتند. هیئت شرکت کننده از طرف

اخباری از شهرهای کردستان

پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران شرکت صلب استیل

اعتصاب کارگران و استاد کاران شرکت ساختمان سازی صلب استیل واقع در جاده کامیاران- سنندج با موفقیت به پایان رسید. این کارگران نزدیک به ۱۰ روز بود که به علت پرداخت نکردن دستمزدهای معوقه اشان اعتصاب کرده بودند و با پرداخت دستمزدهایشان توسط کارفرما روز ۱۳/۳/۱۳۹۱ به اعتصاب خود پایان داده و به سر کار بازگشتند.

مرگ کارگر آما توریند بر اثر عدم ایمنی

روز پنجشنبه ۱۱/۳/۹۱ در اثر نبود امکانات ایمنی، کارگر جوانی به نام واحد آبادیان کارگر آرماتوربند دچار حادثه گردید. متأسفانه نامبرده بر اثر جراحات وارده در روز جمعه ۱۲/۳/۹۱ در بیمارستان مهلباد جان سپرد. لازم به ذکر است که نامبرده اهل محله باغ شایگان می باشد.

اعتصاب کارگران نوبل سد آزاد

طبق گزارش رسیده تعداد ۵۰ نفر از کارگران قسمت تونل سد آزاد، زیر نظر جهاد توسعه از شرکتهای وابسته به شرکت استراتوس، واقع در جاده سنندج مریوان، در اعتراض به هفت ماه حقوق معوقه خود و شرایط ضد کارگری حاکم بر آنها از تاریخ ۸/۳/۹۱ دست به اعتصاب زده و خواستار دریافت حقوق و مطالبات معوقه خود شدند. این کارگران اعلام نمودند تا دریافت مطالبات خود، به اعتصاب ادامه میدهند.

گزارشی از کارخانه احیا صنعت سنندج

کارفرمای کارخانه احیا صنعت سنندج در ادامه اخراج سازهایی سال ۹۱ شاپور عزیزی کارگر این کارخانه را که بمدت یک سال در قسمت پرداخت مشغول به کار بود از کار اخراج کرد.

لازم به ذکر است که قراردادهای جدید کارگران این کارخانه در سال جدید یک ماهه می باشد و در ضمن کارگران تا این تاریخ عیبدی و سنوات سال گذشته را نیز دریافت نکرده اند.

کارخانه احیا صنعت یکی از زیر مجموعه های کارخانه ایران خودرو در سنندج می باشد که در زمینه ساخت قطعات پلاستیکی خودرو مشغول به فعالیت است.

احضار بازداشت شدگان مراسم روز جهانی کارگر سنندج

بنا به خبر رسیده، بازداشت شدگان مراسم روز جهانی کارگر ۲۰۱۲ سنندج، روز دوشنبه ۸/۳/۹۱ جهت ارائه آخرین دفاعیات خود و معرفی به شعبه های دادگاهی آنها، به شعبه چهار دادیاری سنندج احضار شدند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، ضمن محکوم کردن این عمل، خواهان رفع هر گونه قرار بازداشت این کارگران و آزادی کارگران و فعالین میباشد.

برگرفته از سایت کمیته هماهنگی



متن آهنگ «ایستاده مردن» از شاهین نجفی



((سری میان دست تو بریده
نگاه من به ساعت پکیده
و شعرهای غمگین و عاصی
و گرگ خسته کز تفنگ ترسیده
به شبهای من به اصل هستی
به بغض بی کسیت وقت مستی
و حسرت تو را و بو کشیدن
و عمق فاجعه: تو را ندیدن
رگی که سرنوشتش انسداد است
و جرم تو که داد پیش باد است
همیشه انتهای قصه تلخ است
و شاعری که حکمش ارتداد است

خدای خوب خواب تو کتابم
منی خشک روی تخت خوابم
خدای خوب خشم و قتل و فتوا
و گریه‌های من به شعر یغما
مرا بخوان به کاکتوس ماندن
بمان کنار من که شعر خواندن
کنار تو به عهد با کویری
که رمز ماست ایستاده مردن

بگو حدیث ما حدیث خون بود
شرارتی که ناشی از جنون بود
بگو چگونه ما وا ندادیم
بگو که مردیم و ایستادیم

خدای خوب خواب تو کتابم
منی خشک روی تخت خوابم
خدای خوب خشم و قتل و فتوا
و گریه‌های من به شعر یغما
مرا بخوان به کاکتوس ماندن
بمان کنار من که شعر خواندن
کنار تو به عهد با کویری
که رمز ماست ایستاده مردن))

تسلیت بمناسبت درگذشت رفیق صالح کیفی

یاد رفیق صالح کیفی
گرامی باد

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ ژوئن ۲۰۱۲

متأسفانه اطلاع یافتیم که روز جمعه ۱ ژوئن ۲۰۱۲ صالح کیفی یکی از انقلابیون مبارز و قدیمی در صفوف حزب کمونیست ایران و کومه له بر اثر ایست قلبی درگذشت. بدینوسیله درگذشت صالح کیفی را به همسر، فرزندان، خانواده و بستگان او و اعضای حزب کمونیست ایران تسلیت می‌گوئیم.

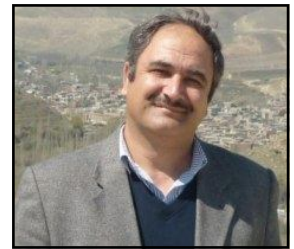


شاهرخ زمانی به زندان یزد تبعید شد

باید وسیعاً از اعتراض این کارگران حمایت و پشتیبانی کرد. شاهرخ زمانی، محمد جراحی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. ۲۰ ژوئن روز حمایت جهانی از زندانیان سیاسی بهترین فرصت برای مبارزه برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است. به هر شکلی که می‌توانید به این روز اعتراض جهانی اعتراض بپیوندید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۲ خرداد ۹۱
۱ ژوئن ۲۰۱۲

است. جمهوری اسلامی از اینکه شاهرخ زمانی چهره ای محبوب و شناخته شده در شهر تبریز است و وجود زمینه حمایت از او در میان مردم و از ترس تاثیر وی در فضای اعتراضی زندان تبریز دست به این عمل زده است. باید از شاهرخ زمانی بیشترین حمایت و پشتیبانی را کرد. شاهرخ زمانی بخاطر مبارزاتش به ۱۱ سال زندان محکوم شده است. او و محمد جراحی کارگر شناخته شده دیگری که هم پرونده وی است و ۵ سال حکم زندان گرفته است در اعتراض به این احکام نامه ای خطاب به نهادهای جهانی نوشته اند.



در اطلاعیه شماره ۵۶ گزارش کردیم که روز ۷ خرداد ماموران اداره اطلاعات جمهوری اسلامی شاهرخ زمانی فعال کارگری شناخته در شهر تبریز را از زندان این شهر به مکان نامعلومی انتقال داده اند. بنا به گزارش منتشر شده از سوی کمیته حمایت از شاهرخ زمانی، او در این روز به زندان یزد تبعید شده

۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران را گرامی بداریم

نهادهای بین‌المللی نامه نوشت و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی از زندان شد. اکنون که اجلاس سازمان جهانی کار در راه است، می‌توان به این اجلاس نامه داد و ضمن اعتراض به شرکت هیات جمهوری اسلامی در آن، خواهان آزادی فوری کارگران زندانی شد. خواهان اخراج جمهوری اسلامی این رژیم سرکوب و زندان از سازمان جهانی کار شد. روز ۲۰ ژوئن را به یک روز مهم اعتراض خود برای آزادی زندانیان سیاسی تبدیل کنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
زندانی سیاسی، کارگر زندانی
آزاد باید گردد
۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۹،
۱۵ مه ۲۰۱۱

روز ۲۰ ژوئن برابر با ۳۱ خرداد از سوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به عنوان روز اعتراض جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران اعلام شده است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی، از برگزاری این روز حمایت کرده و همه انسانهای آزادیخواه را به پیوستن به تظاهراتی روز ۲۰ ژوئن فرامیخواند. در هر کجا که هستیم با عکس‌ها و پوسته‌های زندانیان سیاسی و کارگران زندانی، رضا شهابی، علی نجاتی، بهنام ابراهیم زاده، رضا شهابی، محمد جراحی، علی اخوان، رسول بداعی، عبدالرضا در این اکسیونها شرکت کنیم و همبستگی خود را با همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی اعلام کنیم.

در ایران نیز می‌توان با پیوستن به تجمعات خانواده های زندانیان سیاسی، چسباندن عکس زندانیان سیاسی و کارگران زندانی در همه جا، پخش تراکت، نوشتن شعار زندانی سیاسی، کارگر زندانی آزاد باید گردد، و با ابتکارات مختلف در اعتراض سراسری روز ۲۰ ژوئن شرکت کرد. می‌توان به



همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!